

نشر: آینده انقلابی

جیسن اپستین^۱

ترجمه عبدالحسین آذرنگ

هشدار دیگری به جای یادداشت

جیسن اپستین (متولد ۱۹۲۸)، از انقلاب‌گران و اصلاح‌گران پیشگام در عرصه نشر، مبتکر انتشار کتاب‌های جیبی در دوره پس از جنگ جهانی دوم، از نظریه پردازان و آینده‌نگران نشر، ویراستار برجسته، و سردبیر مجله بررسی کتاب‌های نیویورک دست‌کم برای شماری از خوانندگان ایرانی ناآشنا نیست. پیش از این متن سخنرانی مهمی از او با عنوان «کتاب‌های درخواستی»، درباره موج تازه‌ای از نوآوری‌ها در نشر، در شماره ۲۳۷-۲۳۸ جهان (بهمین - اسفند ۱۳۸۷) چاپ شد و ویراست دیگری از آن در کتاب نشر و انقلابی در راه (تهران: جهان کتاب، ۱۳۸۹) با اندک تغییراتی انتشار یافت. در مقدمه مترجم بر آن مطلب، ضمن آن که توجه ناشران به اهمیت گفته‌ها و تجربه‌های جیسن اپستین جلب، و بر هشدارهای او درباره سیر روند کنونی نشر در جهان و تحولات آینده آن تأکید گردید، نیز وعده داده شد که نوشته‌های دیگری از او ترجمه می‌شود و در اختیار علاقه‌مندان به مبحث تحولات در نشر قرار می‌گیرد.

«نشر: آینده انقلابی» در ادامه گفتار پیشین جیسن اپستین، با تأکید بر روند دیجیتالی شدن نشر و تأثیرهای آن بر کار و کسب ناشران بزرگ و کوچک است که خود او به لحاظ حرفه و اشتغالاتش طی سالیان، نسبت به آن حساسیت بسیار دارد. اپستین در عین حال چند پیش‌بینی می‌کند و آینده‌نگری او از واقعیت‌ها دور نیست، زیرا هم بر داده‌های واقعی و تحولات ملموس متکی است، و هم به تجربه‌های مستقیم خود او ناظر است، تجربه‌هایی که در قلمرو نشر جهانی ارزش و اعتبار دارد.

انتشار ترجمه این گفتار با این امید است که اتحادیه ناشران هشدارهای اپستین را جدی تر و فنی‌تر از پیش بررسی کند و ناشران در تنگنا، با سونامی تحولات فن‌آورانه در نشر غافلگیر نشوند. وظیفه امثال من روشننگری است، و وظیفه اتحادیه‌ها در وهله نخست حفظ کردن

موجودیت اعضای خود و در وهله بعد کوشش در راه رشد، توسعه و اعتلای آن‌هاست. از آن‌رو که نزدیک شدن خطری را احساس می‌کنم، از حیطة وظیفه خود گامی فراتر برمی‌دارم و امید می‌ورزم اتحادیه ناشران روند فن‌آوری‌های نشر را کارشناسانه‌تر بررسی، و گزارش رسمی آن‌را نه تنها برای اطلاع همه دست‌اندرکاران کتاب و نشر، بلکه برای هشیاری عمومی و ملی منتشر کند. حیات فرهنگی کشور از سر نوشت نشر جدایی ندارد. اپستین در این نوشتار هم باز تأکید کرده است که افول در نشر کتاب‌های اساسی همانا افول تمدن است. او طی زندگی غنی حرفه‌ایش، آرمان‌های نشر را فراتر از مرزهایی دیده است که کوتاه‌بینان و نادوران‌دیشان خواسته‌اند بر نشر تحمیل کنند. اگر هشدارهای برآمده از وجدان حرفه‌ای، احساس تکلیف و تعهد امثال اپستین نبود، معلوم نیست زیان‌های ناشی از غفلت از امواج فن‌آوری‌های جدید، که سونامی‌وار حرکت می‌کنند، به چه حدی می‌رسید. نشر به سرشت آگاهی‌بخش، به خود هشیاری دقیق‌تر، روش‌مندتر و بهره‌مند از توان واکنش‌های شتابان‌تری نیاز دارد که با آن سرشت سازگاری داشته باشد.

ع.آ.

ایام نوروز ۱۳۹۰



گذار صنعت نشر کتاب از موجودی مادی انباشه در انبارها و حمل شده به خرده‌فروشی‌ها، به بایگانی^۲‌های دیجیتالی در فضای سایبری و انتقال یافته تقریباً به هر کجای جهان، و همان قدر سریع و ارزان که می‌میل، اکنون در جریان و برگشت‌ناپذیر است. این تغییر تاریخی، نشر کتاب را در سراسر جهان از بیخ و بن متحول خواهد ساخت و نیز فرهنگ‌هایی که نشر بر آن‌ها تأثیر می‌گذارد و به آن‌ها وابسته است. در این میان، کار و کسب محترم کتاب که بیش از نیم‌قرن پیش به آن پیوستم، به دلایل کاملاً متفاوتی در تنگنا بود، گرفتار اعتیاد چاره‌ناپذیر قمارباز به کتاب‌های پر مخاطره و موسمی پر فروش که بسیاری از آن‌ها خرج خود را در نمی‌آوردند. همزمان با آن، کتاب‌های پشتوانه^۳ در وضع وخیمی بود، و در آمد سالانه اصلی ناشران کتاب در بهترین وضعیت، به ثبات سر به سر عبور از اوقات بد و خوب بستگی داشت. بحران اعتماد، بازتاب این‌گونه ضربه‌های متقاطع است، بازار بیش از اندازه تخصصی شده که حالتی زودگذر با مخاطره‌پذیری بالا بر آن حاکم است، و تغییر فن‌آورانه‌ای بس عظیم‌تر از تحول سرنوشت‌ساز از استنساخ راهبان به حروف متحرک چاپ که گوتنبرگ شش قرن پیش در شهر ماینتس آلمان به راه انداخت.

اگر چه اختراع گوتنبرگ، جهان مدرن ما را با همه شگفتی‌ها و بلاهایش ممکن ساخت، هیچ کس، و کم‌تر از همه خود گوتنبرگ، نمی‌توانست پیش‌بینی کند که دستگاه فشاری چاپ او این تأثیر را داشته باشد. و امروز، هیچ کس نمی‌تواند جز به صورت طرحی کلی و اجمالی، تأثیرهای به‌مراتب عظیم‌تری را پیش‌بینی کند که دیجیتالی شدن بر آینده خود ما خواهد داشت. ناشران، در حالی که زمین زیر پایشان می‌لرزد، با یک پا در گذشته فروپاشیده، و با پای دیگری که در آینده‌ای نامطمئن جای پای محکمی می‌جوید، در استفاده از فرصتی که دیجیتالی شدن برای احیا، گسترش و ارتقای کتاب‌های پیش‌توانه‌شان به بازاری نامتمرکز و جهانی پیش می‌کشد، جای تعجب ندارد اگر تردید نشان دهند. البته فن‌آوری‌های جدید منتظر اجازه نمی‌مانند. اگر تعبیر بسیار استفاده شده شومپتر^۴ را به کار ببریم، فن‌آوری‌های جدید مانند زلزله‌ها بنیاد بر افکن و غیر قابل مذاکره‌اند.

فن‌آوری گوتنبرگ شرط لازم باززایی غرب بود. گویی که سواد، روش علمی، و حکومت مشروطه که همگی همراهان آن بودند، فقط انتظار می‌کشیدند که گوتنبرگ کلید را بزند. دستگاه‌های چاپ ظرف پنجاه سال از این سو تا آن سوی اروپا به کار افتادند، و در مرزهای کشورهای عربی، که از چاپ ابا داشتند، متوقف شدند. چین، شاید از همان هراس ناشی از سواد بنیاد بر افکن، که جهان عرب داشت، از خط آوانگار به جای خط اندیشه‌نگار، منسوب به امپراتور کره، غفلت کرد، خطی که می‌توانست به کاربرد حروف متحرک چاپی امکان دهد. مقاومت امروز ناشران در برابر آینده دیجیتالی یورش آور، از هراس سواد بنیاد بر افکن سرچشمه نمی‌گیرد، بلکه ناشی از هراس قابل فهم منسوخ‌شدگی خود آن‌ها و از پیچیدگی تبدیل دیجیتالی است که در انتظار آن هاست، تبدیلی که در آن، بیشتر زیرساخت‌های سنتی و شاید خود آن‌ها هم، از رده خارج خواهند شد.^۵ کارل مارکس در مانیفست کمونیست‌اش درباره انقلاب‌های ۱۸۴۸ نوشت که

هر آن چه جامد است ذوب می‌شود و به هوامی رود. نگارش او درباره بهشت کارگران، پیروزی آرزو بر تجربه، البته ۱۸۰ در جه خطا بود. آن چه به سرعت ذوب شد، به صورت سرمایه‌داری صنعتی، منجمد و بهشت عده‌ای، به بهای زندگی عده بسیاری تمام شد. اما تصویر پر تأثیر مارکس، مناسب صنعت نشر امروز است، از آن رو که ساختار سرمایه بر آن - دستگاه‌های چاپ، انبارهای لبالب از موجودی مادی قابل برگشت، بازار خرده‌فروشی محدود شده با مستغلات گران قیمت - با زوال روبه‌روست، آن هم در میان غبار و مه گسترده‌ای که همه کتاب‌های جهان سرانجام به صورت بایگانی‌های دیجیتالی، عنوان به عنوان پیاده خواهد شد، هر جادر این جهان که اتصال وجود داشته باشد، و کتاب در محل فروش، یک نسخه به فوریت با ماشین کتاب اسپرسو^۶ تکثیر و صحافی شود، مانند کتاب‌های جلد نرم با کیفیت کتابخانه‌ای، یا این که کتاب به دستگاه‌های الکترونیکی کتاب خوان انتقال یابد، مانند دستگاه‌های کیندل، کتاب‌خوان‌های سونی، و جانشینان چندکاره آن‌ها، که تازه‌ترین نوع در میان آن‌ها، آی‌پد اپل است.^۸ توانایی بی‌سابقه این فن‌آوری در راه افتادن بازار چندزبانه گسترده و تازه، انتخاب نامحدود عنوان‌ها را عملاً جانشین سامانه گوتنبرگ خواهد کرد. آن هم با یابی همکاری عوامل اجرایی کنونی آن.

دیجیتالی شدن، جهانی را ممکن می‌سازد که در آن هر کس می‌تواند ادعای ناشری کند و هر کسی می‌تواند خودش را نویسنده بخواند. فیلترهای سنتی در آن جهان ذوب و به هوا خواهد شد و فقط فیلتر نهایی، که همانا توانی انسان در خواندن آن چه ناخواناست، بر جای خواهد ماند تا آن چه در بازار مجازی ارزش نگهداری دارد جدا کند، در حالی که بلبل کیتس^۹ همراه با هایکوه‌های آنت مری^{۱۰} از فضاهای الکترونیکی بهره می‌برند. این که محتواهای کتابخانه‌های جهان سرانجام با فشار دادن ماوس در هر کجا عملاً دستیاب خواهد شد، نعمتی مصنوعی از ناخالصی نیست؛ یک فشار دیگر به ماوس می‌تواند همین محتواها را به نابودی بکشد و تمدن را به پایان برساند؛ برای کتاب‌ها در هیئت مادی در عصر دیجیتالی، برهانی قاطع لازم است.

راهنمای خوانندگان در میان آشوب مواد خواندنی آینده دیجیتالی، مشخصات نشر آثار ناشران مشهور خواهد بود، قابل تشخیص در سراسر جهان، راهنمای چندزبانه، کار کردی که به نظر می‌رسد گوگل در صدد است حاکم بگرداند - کار کردی که امید می‌رود با همکاری کتابخانه‌های بزرگ ملی و دانشگاهی و کتاب‌شناسان چیره‌دست آنان، و تحت لوای موازین تجدیدنظر شده جهانی حق نشر در هماهنگی دسترسی به شبکه جهانی وب باشد. عنوان‌های آثار نیز به وب‌گاه‌های نویسندگان و ناشران و به وب‌گاه‌های قابل اعتماد دارای علاقه خاص فرستاده خواهد شد. زندگی‌نامه‌های ناپلئون یا دستنامه‌های تربیت سگ را منتقدان توانا ارزش‌یابی خواهند کرد، و در حالی که نرم‌افزار، قیمت خرید را به تناسب توزیع می‌کند و فرمول‌های مرسوم را کنار می‌گذارد، آثار از مبدأ نویسنده یا ناشر تا کاربر نهایی، مستقیماً ارسال و پیاده خواهد شد. خواننده با حذف شدن هزینه انبار، ارسال، و بازگشتی‌ها، قیمت کمتری خواهد پرداخت؛ نویسنده در آمد بیشتری خواهد داشت؛ و

ناشران کتاب‌رها شده‌از شرزیر ساخت بی حاصل، باقی خواهند ماند و احتمالاً کارشان رونق خواهد داشت.^{۱۱}

این آینده، نتیجه‌گیری قابل پیش‌بینی براساس دیجیتال‌شدن و در مرحله کنونی توسعه آن در ایالات متحده است که وبلاگ‌نویسان به طرفداری از نتایج مختلف آن به تفصیل بحث کرده‌اند، از جمله این‌که براساس خیال‌پردازی آرمانی در آینده دیجیتال، محتوای کتاب رایگان خواهد بود و نویسندگان به ناچار نخواهند خورد.^{۱۲} دیجیتال‌شدن، تنوع بی‌سابقه محتوای تخصصی تازه‌ای را به زبان‌های بسیار ترغیب خواهد کرد. ناشران عمومی سازگاری پذیرتر امروز زیرساخت معمول زاید بر احتیاج خود را حفظ خواهند کرد، اما دیجیتال‌شدن سبب شده است که ناشران تخصصی مثل قارچ سبز شوند، گروه‌های کوچکی از ویراستاران همفکر را در انواعی از جاهای مناسب به کار بگمارند، شاید نه در یک محل یا حتی در یک کشور، و بسیار شبیه خود شرکت‌های نرم‌افزاری که نام‌متر کنند، با کارکنانی در کالیفرنیا و همکاری اینترنتی با همکارانی در بنگلور و بارسلونا.

البته وظیفه دشوار و انفرادی آفرینش ادبی به استعداد فردی فوق‌العاده‌ای نیاز دارد، و این وظیفه در داستان هیچ‌گاه جمعی نیست. شبکه‌سازی اجتماعی می‌تواند کتاب‌های مختلف را به خوانندگان عرضه کند، اما ناقص‌تنهایی لازم برای آفرینش جهان‌های غیرواقعی با مردم واقعی در آن‌هاست. اثر در دست نگارش نویسنده تا زمانی که برای نشان دادن به دوست مورد اعتماد یا ویراستار آماده شود، کاملاً خصوصی است. چارلز دیکنز و هرمان ملویل در تنهایی و با قلم روی کاغذ می‌نوشتند؛ همین‌طور صد‌ها نویسنده‌ای که طی سالیان بسیار با آن‌ها کار کرده‌ام، جز آن‌هایی که از ماشین تحریر و رایانه استفاده می‌کنند.

در فرهنگ‌های پیش‌ساخته، ساگاها و حماسه‌های بزرگ لزوماً آفریده‌های جمعی بودند، در ذهن طایفه به یاد سپرده، و با نظارتی روحانی نسل‌های نسل خوانده می‌شدند. نویسندگان، با اختراع الفبا دیگر به حافظه جمعی وابسته نبودند، اما اثرشان را بر سنگ، پاپیروس، یا کاغذ ذخیره می‌کردند. در دوره‌های جدید، طرح‌های عمومی عمدتاً به آثار مفصل مرجع محدود شده است که ویکیپدیا یا نمونه‌ای از آن‌هاست. اگرچه شبکه‌سازی اجتماعی، دیکنز یا ملویل دیگری به بار نمی‌آورد، اما شبکه وب منبع نیرومندی برای نویسندگان است، انواع بسیاری از مواد و مطالب روزآمد مرجع را به راحتی فراچنگ می‌آورد، فرهنگ‌ها، نشریه‌ها و نظایر آن‌ها که از راه اشتراک یا جست و جوی رایگان گوگل و ویکیپدیا فوراً و همه‌جا دستیاب است. منابع مرجعی که بیشترین فوریت زمانی را داشته باشند، هیچ‌گاه لازم نیست تکثیر و صحافی شوند.^{۱۳}

نوشته‌های جدی پر اطلاع با کیفیت بسیار درباره موضوع‌های عمومی مانند همیشه عالی و ضروری خواهد بود، و همواره به صورت تکثیر شده و شبکه‌ای برای خوانندگان اهل دقت باقی خواهد ماند. آثار اصیل در بخش‌هایی از جهان پدیدار خواهد شد که کتاب‌ها پیش از این به آن‌ها راه نیافته بود، مانند آثاری که از گوشه و کنارهای سیاه و خاموش اروپا، پس از گوتنبرگ سرزده ظاهر شدند. با این حال، چاپ گوتنبرگ، به اروپا با مرزهای فرهنگی سفت و سختش، زبان

مشترک‌کی نداد. دیجیتال‌شدن با ایجاد عرضه جهانی برای متن‌های اساسی علمی و ادبی به زبان‌های عمده، می‌تواند نتیجه‌ای متفاوت به بار آورد، مانند رم‌ریداکس^{۱۴}، اگرچه مترجمان هنوز کارهای بسیاری پیش‌رو دارند.

هزینه ورود برای ناشران آینده حداقل خواهد بود، فقط لازم است گروه ویراستاری و خدمات پشتیبانی لازم آن را حفظ کنند، اما بدون هزینه امکانات مرسوم پخش‌گری و مدیریت چند لایه. ناشران کوچک همان قدر به خدمات بیرونی نظیر مدیریت بازرگانی، کارهای حقوقی، حسابداری، طراحی، نسخه‌یابی، تبلیغات و نظیر آن وابسته‌اند که به آن‌ها نیاز دارند، در حالی که اینترنت فرصت‌های تبلیغات و پیروسی را، که بوتوبی و فیس بوک پیشگامان آن‌ها هستند، تأمین خواهند کرد. ممکن است سرمایه‌گذاران خارجی به قصد سود، همان کاری را انجام دهند که در مورد فیلم‌ها و نمایش‌ها می‌کنند، یعنی منابع مالی پیش پرداخت‌های نویسندگان را تأمین کنند. گذار از واحدهای ویراستاری پیچیده با مدیریت متمرکز به واحدهای نیمه خودمختار در شرکت‌های انتشاراتی ادغام شده (برای مثال، ن.ای. تلیس^{۱۵} در رندم‌هاوس^{۱۶} و جانسن کرپ^{۱۷} در هچت^{۱۸}) از مدتی پیش دیده شده است، گرایشی که با بیرون رفتن شرکت‌های والد تقویت خواهد شد. از آن‌جا که شرکت‌های ادغام شده در برابر تقاضای جدی نویسندگان کتاب‌های پر فروش مقاومت می‌کنند، نویسندگان که پیش‌بینی می‌شود کتاب‌هایشان در صدر صورت کتاب‌های پر فروش قرار بگیرد، همین نویسندگان به کمک کارگزاران و دلالات و مدیران بازرگانی، به ناشران آثار خودشان تبدیل خواهند شد^{۱۹} و از همه راه‌های فروش دیجیتال از طریق شبکه استفاده خواهند کرد، همچنان که از راه‌های فروش سنتی. کتابفروشی که به کار و کسب خرده‌فروشی اشتغال دارند، به کمک ماشین کتاب اسپر سو می‌توانند به ناشر تبدیل شوند، مانند پیشگامان سده هجدهمی خود.^{۲۰}

حقوق معمول در نواحی مختلف بسیار هنگفت خواهد بود، و قرارداد حق نشر (کاپی‌رایت) جهانی و همسانی ضرورت خواهد داشت. حمایت از محتوا در برابر استفاده‌کنندگان غیرمجاز از بایگانی‌ها مسئله‌ای همچنان آزاردهنده باقی خواهد ماند که در باب امکان پذیر بودن نوشتن و تألیف، پرسش‌های جدی به میان می‌آورد، زیرا نویسندگان بدون حمایت گرسنه خواهد ماند و تمدن افول خواهد کرد. انتظاری که قانون اساسی ایالات متحده به رسمیت شناخت، ایجاب می‌کند که نویسندگان در وهله نخست نه از باب برابری، بلکه برای نعمت بزرگ‌تر روشن‌گری جامعه حفظ شوند.^{۲۱} برخی موسیقی‌دانان با اجرای کنسرت‌ها، فروختن تی‌شرت، یا همکاری با تبلیغات بازرگانی به حقوق از دست رفته‌شان سروسامانی می‌دهند. برای نویسندگان و مؤلفان راه حل معادل آن نیست. پیشرفت‌های امروز در زمینه نرم‌افزار مدیریت حقوق دیجیتال، که برای بستن راه استفاده غیرمجاز از پرونده‌ها طراحی شده است، چالشی با این استفاده‌کنندگان خواهد بود که ادامه خواهد داشت، با کسانی که برای استفاده خودشان و دوستانشان به پرداختن هزینه تن نمی‌دهند، و غالباً بر این باور نایجاب هستند که «محتوا باید رایگان باشد». این چالش، بسیار شبیه نرم‌افزار ضد ویروس است

که باراهزنان اینترنتی (هکرها) در جنگ و جدال دائم‌اند. استفاده غیرمجاز از بایگانی‌ها مشکل خواهد ماند، اما به نظر مشکلی جدی نیست، شاید در همان سطحی باشد که همیشه کتابخانه‌ها و یکایک خوانندگان، کتاب‌ها را با دیگران تسهیم کرده‌اند.

این گونه راه‌حل‌ها و راه‌حل‌های دیگر بنا به موقعیت و در پاسخ به نیاز پدیدار خواهد شد، همان گونه که معمولاً پدیدار شده‌اند. البته در این مرحله آغازین، پیش‌بینی جزئیات چشم‌انداز جدید نشر، یا مشخص کردن آهنگ تحول کار بیهوده‌ای است. تحول، هر چند گاه و پیچیده خواهد بود، یا نقش آینده‌ناشران سنتی همپای پیشرفت‌های دیجیتالی شدن در جبهه‌ای نایک‌دست و متنوع خواهد بود که ناشران، نویسندگان و خوانندگان در عین حال خود را به تناسب به آن سازگاری می‌دهند. زمان مناسب فقط در بازنگری معلوم خواهد شد.

تا این جا کوشیده‌ام آینده دیجیتالی را با تعبیرهای ابزارانگارانه پیش‌بینی کنم. اما جنبه اخلاقی هم در کار است، زیرا ما مخلوقات مسئله‌سازی هستیم با تاریخی طولانی از خودویران‌گری. صنعتی که گوتنبرگ به راه انداخت، سرانجام توزیع گسترده مونتینی، شکسپیر، و سروانتس را امکان‌پذیر ساخت، از باور فیل و گربه در کلاه^{۲۲} چیزی نمی‌گویم. اما این فن‌آوری در عین حال پروتکل سران صهیون و نبر دمن را به ما داد^{۲۳}، و عجیباً آن که پُل پُت را در پاریس از احمقی محض به قتل عام‌گر تبدیل کرد. دیجیتالی شدن، سرشت بهتر ما را تقویت خواهد کرد، اما در عین حال نقطه مقابل آن اهریمنانه است. سانسور کردن، پاسخ این جنبه‌های شریر نیست.

محتوای دیجیتالی شکننده است. بنابراین، امن نگاه داشتن کتاب‌ها در قالب مادی، مصون از مزاحمان الکترونیکی، لاشخورها، و سوانح انباشت الکترونیکی، ضروری است. حذف شدن اخیر دلخواه رمان ۱۹۸۴ ارول از دسترس کاربران کیندل که آن را پیاده کرده بودند، از سوی آمازون و به درخواست ناشر آن، نشان‌دهنده کار ساده‌ای است که به وسیله آن می‌توان بدون هشدار یا اجازه، بایگانی‌هایی را حذف کرد؛ خطر گریزناپذیر پخش الکترونیکی^{۲۴}. در دانمارک وقتی که اشتراک منقضی شود، آهنگ موسیقی پیاده شده از راه اشتراک خود به خود حذف می‌شود؛ همین‌طور اشتراک اینترنتی سالانه فرهنگ انگلیسی آکسفورد من، مگر آن که آن را تمدید کنم. بسیاری از منابع دیگر مرجع که معمولاً محدودیت زمانی دارند، و به این دلیل که هیچ‌گاه نباید تکثیر و صحافی شوند، از راه اشتراک قابل تمدید فروخته می‌شوند. اگر امروز ناشر بوم، برای پیاده شدن همه کتاب‌های الکترونیکی به الگوی کرایه‌ای تمدیدپذیر توجه می‌کردم، مانند روش «کتابخانه کرایه‌ای» دوره بحران بزرگ [در آمریکا]، که به گونه دقیق تری بازتاب مناسبات موجود است، مناسباتی که نرم‌افزار مدیریت حقوق دیجیتالی میان فراهم‌آور محتوا و کاربر برقرار کرده است.

مایلم چند کلمه‌ای در باب تحول علاقه خودم به دیجیتالی شدن بیفزایم. از آغاز کارم، حفظ و نگهداری و پخش صورت کتاب‌های پشتوانه، ذهنم را به خود مشغول کرده است، مقصودم کتاب‌هایی است که پیشتر منتشر شده و هنوز در بازار است. این‌ها جزء

جدایی‌ناپذیری از ثبات کار ناشر است و روی هم رفته موجب رونق تمدن هاست. در این معنا بجاست گفته شود که نشر کتاب بیش از یک کار و کسب است. تمدن ما بدون محتواهای کتابخانه‌ها، یعنی کتاب‌های پشتوانه جمعی ما، حافظه فرهنگی ما، فرو می‌پاشد^{۲۵}.

در نیمه دهه ۱۹۸۰ از فرسایش جدی صورت کتاب‌های پشتوانه ناشران، به صورت گله‌ای از ماهیانی که به کنده حرکت کنند، مطلع شدم، اما عنوان‌های مهمی هر ماه همچنان حذف می‌شد. این وضعیت دو علت داشت: تغییری در قانون مالیات که اجازه نمی‌داد کتاب‌های موجود فروش نرفته جزو هزینه‌ها به حساب آید؛ اما علت مهم‌تر، نابودشدن کتابفروشی‌های مستقل قلب شهرها با مجموعه‌های پروپییمان، بر اثر این که امریکاییان شهرها را به قصد زندگی در حومه‌ها ترک گفتند، و جای آن کتابفروشی‌ها را شعبه‌های زنجیره‌ای در مال^{۲۶}‌های حومه‌های شهر گرفتند که باید همان اجاره‌ای را بپردازند که مغازه‌های کفش‌فروشی همسایه آن‌ها با همان فضای محدود که همان سرعت برگشت سرمایه را ایجاب می‌کند.^{۲۷}

این تغییر جمعیتی، کار و کسب کتاب را واژگون کرد، زیرا خرده‌فروشان نمی‌توانستند کتاب‌های پشتوانه را در مجموعه‌شان بگذارند، به برگشت سریع سرمایه نیاز داشتند که کتاب‌های زودگذر را اقتضا می‌کرد. نویسندگان آثار پرفروش که وفاداریشان به ناشرانشان پیش از آن هنجار بود، در آن زمان وسیله سرمایه‌گذاری قرار گرفتند: خوان نعمتی برای نویسندگان و کارگزاران و دلالان، همراه با تضمین‌های بیش از حد جبران‌ناپذیر و کابوسی برای ناشران که همه مخاطره‌ها را به جان بخرند، و خوش‌بخت باشند اگر ورشکسته نشوند. اما در آن میان، صورت کتاب‌های پشتوانه همچنان در افول بود. ناشران کوچک‌تر که نمی‌توانستند به این مخاطره‌ها تن بدهند، در مؤسسه‌های انتشاراتی بزرگ تر ادغام شدند، و مؤسسه‌های بزرگ‌تر هم سرانجام در آغوش شرکت‌های ادغام شده امروز افتادند.

برای افسس شدن کتاب‌های پشتوانه دستخوش افول، در نیمه ۱۹۸۰ بر نامه فهرست خواننده^{۲۸} را آغاز کردم، کتابفروشی مستقلی در قالب فهرست که خواننده از طریق آن می‌توانست به وسیله تلفن از میان ۴۰۰۰۰ عنوان کتاب پشتوانه سفارش بدهد. در آن زمان اینترنت وجود داشت، اما هنوز تجارتی نشده بود. فهرست خواننده موفقیتی فوری بود و باور مرا به بازار جهانی نیرومندی برای عنوان‌های کتاب پشتوانه تأیید کرد. اما هزینه سفارش‌های تکی را کم تخمین زده بودم، و با حامیانم به این نتیجه رسیدیم که اگر این کار را ادامه بدهیم، زبان‌هایمان تحمل‌ناپذیر خواهد شد. اینترنت، اکنون به صورت تجارتی در دسترس است. آمازون بی‌باکانه از آن استفاده کرد و در آغاز زبان‌هایی را که از بابت آن بیم داشتیم، تحمل نمود. اما اکنون دارم می‌شنوم که شعار روز دیجیتالی شدن، از میان برداشتن واسطه است، و معنایش این است که ناشران اکنون می‌توانند به بازاری نظر داشته باشند که کتاب‌های پشتوانه آن عملایی حد و حصر است، بدون انبار کتاب، هزینه حمل و نقل، یا نسخه‌های فروش نرفته برگشتی خورده و نسبی. مشتریان برای خریدهایشان پیش پرداخت می‌کردند. این بدان معنا بود که موجودی الکترونیکی سرانجام حتی

تجهیزات خودکار حمل و نقل آماژن را کنار می گذاشت. این وضعیت بیست و پنج سال پیش بود. حالا دیجیتالی شدن بیش از آن چه تصور کرده بودم، جای نشر در قالب مادی را می گیرد.

دستگاه‌های چندکاره نسبتاً ارزان که با وسیله‌های خواندن همخوانی دارد، بازار کتاب‌های الکترونیکی را گسترش خواهد داد و می تواند شکل‌های ادبی جدیدی ترویج کند، مثل رمان‌هایی در تلفن‌های همراه ژاپن. انقلاب‌های نوزاده غالباً به خیال‌پردازی‌های آرمانی بال و پر می دهند تا آن که ضرورت‌های سرشت آدمی، خود را از نو بیان کند. اگر چه وبلاگ‌نویسان گونه‌هایی از طرح‌های عمومی را و انواعی از بیان را پیش‌بینی کرده‌اند، صورت ادبی طی تاریخ طولانی خود به طرز چشم‌گیری محافظه‌کارانه باقی مانده است، و اگر چه عمل خواندن به تمرکز حواس نیاز دارد، بر نامه‌هایی مثل همراهی در موسیقی، متحرک‌سازی، تفسیر انتقادی، و سایر فراداده‌هایی که بر نامه‌هایی مبتنی بر وب است، به پیش‌بینی برخی از پیام‌آوران عصر دیجیتالی، به منزله فعالیت‌های جنبی سودآور فراهم‌آورندگان محتواس.

از میان این خیال‌پردازی‌ها، تندروترین آن‌ها بر این است که محتوای درون مه و غبار دیجیتالی در هم می آمیزند یا در هم کوبیده می شوند تا دانش مشترک و خودسامانی تشکیل دهند، چیزی فراگیر، کتابی واحد یا مغزی جمعی که به صورت الکترونیکی و در مقیاسی جهانی، اقدام‌های مشترکی را موجب می شود که به صورت خودانگیخته در ذهن تک تک افراد رخ می دهد. رد کردن فرضیه گستاخانه جدید، مثل کروی بودن زمین، گردش آن به دور خورشید، همواره با مخاطره روبه‌روست، اما مخاطره در این خصوص حداقل است. نیست‌انگاری (نیپیلیسم) - تحقیر پیش‌بینی نشده متن‌ها - نهفته در این خیال‌پردازی ناهنجار، اگر چه به عنوان شاهد فقر فرهنگی، آزاددهنده است^{۲۹} از این فرض بیشینه‌گرایان کتاب الکترونیکی، که با آن بی‌ارتباط نیست، تهدیدکننده‌تر است که آن فرض قائل به این است: نویسندگانی که ماه‌ها و سال‌ها وقتشان را پشت میز نشان صرف می کنند، خواهان آن نیستند که نسخه‌های مادی، گواه تلاش‌هایشان و امیدشان به رونق و رفاه باشد.

البته بازار عظیم و جهانی محتوای دیجیتالی خیال‌پردازی نیست. این بازار بس بزرگ، بس متنوع، و بس عجیب خواهد بود: تأثیر فرهنگی آن را نمی توان به تصور آورد. کتاب‌های الکترونیکی در این آینده نامطمئن عامل مهمی خواهد بود، اما کتاب‌های موجود چاپ و صحافی شده، همچنان گنجینه جانشین‌ناپذیر خرد جمعی ما خواهد ماند.

گرایش خودم را باید اعلام کنم. اتاق‌هایم از کف تا سقف از کتاب انباشته است، چندان که درباره این که کتاب تازه‌ای را کجا جا بدهم باید دو چندان فکر کنم. اگر همه این کتاب‌ها بر اثر حادثه‌ای تصویرناپذیر پودر شود و پروم‌ها و قفسه‌های مرا با سیاه‌های یادگاری از بایگانی‌های دیجیتالی، لخت باقی بگذارد، دلم می خواهد خودم برای کتاب‌هایی که زندگی من است، پودر شوم و بروم‌ها. این نکته را می گویم تا شما تعصبی را بشناسید که با وجود آن، گریزناپذیری دیجیتالی شدن را ارجمند می دانم، دیجیتالی شدن به سان عامل تقویت‌کننده بی‌اندازه نیرومند، اما به غایت شکننده سواد جهانی،

که همه ما، از خوانندگان و غیرخوانندگان، به آن وابسته‌ایم.

1. Jason Epstein

2. File

۳. در مقاله پیشین یاد شده (ش ۸-۲۳۷) جهان کتاب، ص ۱۱۹ و بعد در نشر و انقلابی در راه) درباره «کتاب‌های پشتوانه» و اهمیت آن‌ها برای ناشران، توضیحاتی آمده است.

۴. Joseph Schumpeter (۱۹۵۰ - ۱۸۸۳)، اقتصاددان امریکایی اتریشی تبار که اصطلاح «ویران‌گری سازنده» در اقتصاد از اوست - م.

۵. هشدار که اپستین درباره زیرساخت‌های سنتی نشر می دهد، نکته‌ای است که در نشر ما توجه عاجل‌تری به آن ضرورت دارد.

۶. این مطلب اپستین را با «مانیفست کمونیست» (ترجمه حسن مرتضوی و محمود عبادیان، در: مانیفست پس از ۱۵۰ سال، تهران، آگاه، ۱۳۸۰) مقابله کردم، اما نکته مورد اشاره او را در نیافتم. محدودیت‌های اینترنتی هم فعلاً مانع از آن شد که با خود اپستین تماس بگیرم و مقصودش را از این تعبیر از خود او بپرسم. شاید در آینده بتوانم با او تماس بگیرم.

۷. در همان مقاله پیشین درباره این ماشین توضیحی آمده است، ماشینی که اپستین در ساخته شدن و رواج آن مؤثر بود. او احتمال می دهد که در آینده‌ای نزدیک این ماشین در نشر، به ویژه در ساختار کتابفروشی‌های کوچک، تحول به بار خواهد آورد. خوب است کتابفروشان به هشدار او توجه کنند. ماشین کتاب اسپر سو، به اندازه دستگاه زیراکس، می تواند ظرف چند دقیقه کتابی را از انباشتگاه دیجیتالی بگیرد و روی کاغذ تکثیر و سپس صحافی کند، یا به صورت رسانه الکترونیکی دیگری تحویل دهد. در واقع کتابفروشان کوچک به جای آن که کتاب جمع کنند و بفروشند، صورت کتاب‌ها را در اختیار مراجعان می گذارند و پس از آن که آن‌ها کتابشان را انتخاب کردند، «کتاب درخواستی» شان را در قالب رسانه‌ای که می خواهند، به آن‌ها تحویل می دهند. این تحول است که زیرساخت‌های نشر و کتابفروشی را تغییر خواهد داد و توجه به پیامدهای آن ضرورت دارد.

۸. دستگاه‌های کتاب‌خوان، یا به اختصار، «کتاب‌خوان»، «کتاب‌بین»‌ها که هنوز معادل‌های فارسی آن جا نیفتاده است، اما انواع مختلف آن که به رقابت با یکدیگر برخاسته‌اند، در راه است. در این خصوص هم ضرورت میرم ما تصمیم‌گیری درباره همسانی‌های املائی و ژانرهای فارسی و نیز چگونگی ضبط نام‌هاست. این کار بر عهده ناشران و اتحادیه‌های آن‌ها نیست، اما شناخت آن‌ها از این نیاز و تأکید و رزیدن آن‌ها بر آن، حتماً تأثیر دارد.

۹. Kates' nightingale. آلبومی از آخرین موسیقی‌ها.

۱۰. Aunt Mary's haikus. اشاره اپستین به رقابت میان محصولات فرهنگی با کتاب است، و امکاناتی که ممکن است ناشران در فضای سایبری نادیده بگیرند و لاجرم بازار کتاب را از دست بدهند.

۱۱. رونق نشر، بدون زیرساخت‌های سنتی آن، نکته‌ای است که رسیدگی کارشناسانه درباره آن ضرورت دارد، زیرا در حال حاضر از حیث زیرساخت‌های سنتی نشر هم در مضیقه هستیم. باید ببینیم تحولات چه تأثیرهایی بر تبدیل کردن زیرساخت‌ها می گذارد.

۱۲. مقصود این که اگر محتوای کتاب‌ها رایگان شود، نویسندگان درآمدی نخواهند داشت که از راه آن ارتزاق کنند. البته در جمله اپستین طنزی نهفته است.

۱۳. و این نکته‌ای است که ناشران منابع مرجع ما به آن توجه نمی کنند و سرمایه، نیرو و وقت عظیمی را در این راه هدر می دهند. نخست، آگاهی و سپس تدوین سیاستی عمومی لازم است که تأکید آن بر دقت و سرعت، کاستن از زمان تولید

و در نتیجه حذف شدن هزینه‌های غیر لازم باشد. یکی از جنبه‌های چنان سیاسی می‌تواند این باشد که به جای اعطای جایزه به کتاب کاغذی مجلد، به تولید محتوا، فارغ از شکل ظاهری آن، توجه شود.

۱۴. Rome Redux، بازسازی دیجیتال شهر رم به دست باستان شناسان دانشگاه‌های ویرجینا و یوسی. ال. ای. این کوشش و کوشش‌های نظیر آن، باب تازه‌ای در احیای گرافیکی با پیامدهای متنوع، به ویژه آموزشی است.

15. Nan A. Talese

16. Random House

17. Jonathan Karp

18. Hachette (= آشت)

۱۹. این تغییر کارکرد را هنوز نه ناشران ماجدی گرفته‌اند و نه نویسندگان ما، اما آمارهای جهانی نشان می‌دهد که پدیده خودناشری همچنان در پیشروی است. بازار نشر ما چگونه می‌تواند از روند عمومی جهانی بر کنار بماند؟ این پرسشی است که پاسخش را از بی‌اعتنایان به آن روند باید خواست.

۲۰. یعنی همان طور که کتابفروشان با دستگاه‌های کوچک چاپ به ناشر تبدیل شدند، کتابفروشان کوچک امروز هم می‌توانند با این ماشین به نوعی ناشر تبدیل شوند.

۲۱. همان طور که پیشتر هم گفته شد، اپستین بر پیوند زنجیره‌وار نوشتن - نشر - تمدن تأکید دارد، و از این رو افول در نشر را عامل افول در نوشتن و لاجرم افول در تمدن می‌بیند. اگر ناشران به اهمیت حرفه خود با این دید نگاه کنند، و اگر نهادهای مدعی حمایت از نشر هم به موازنه میان اجزای سه‌گانه (پدید آوردن - منتشر کردن - تمدن) آینده‌نگرانه‌تر و فراخ اندیشانه‌تر بنگرند، نگرش آنان

بی‌پیامد نخواهد بود.

۲۲. بابز فیل، قصه‌ای فرانسوی برای کودکان که نخستین بار در ۱۹۳۱ انتشار یافت. از پرخواننده‌ترین کتاب‌ها که محصولات دیگری نیز براساس آن تولید شده است.

۲۳. پروتکل سران صهیون، اثری سامی ستیز، انتشار یافته در ۱۹۰۳ در روسیه که به زبان‌های بسیار ترجمه شده و فقط ۵۰۰۰۰ نسخه از آن در دهه ۱۹۲۰ در امریکا فروش رفته است. این کتاب یکی از دستاویزهای آدلف هیتلر در اقدامات ضدبشری‌اش بود. با عنوان‌های مختلف به فارسی ترجمه شده است.

نبرد من، کتاب معروف هیتلر و از اسناد پلیداندیشی بشر.

۲۴. اپستین به دعوای اخیر آمان و یکی از ناشران بزرگ بر سر قیمت‌گذاری کتاب‌ها اشاره دارد.

۲۵. ملاحظه می‌فرمایید؟ تأکیدی صریح‌تر از این؟

26. Mall

۲۷. اپستین در مطلب پیشین‌اش در این باره توضیحات بیشتری آورده که روشن‌گر است. خوانندگانی که آن مطلب را خوانده‌اند، با رجوع به آن خواهند دید که تغییرات در زندگی شهری چگونه نخست بر کتابفروشی‌ها، سپس بر نشر و در حلقه دیگر بر پدیدآورندگان تأثیر می‌گذارد. نظیر این تغییرات، البته با تفاوت‌های آن، در جامعه خود ما رخ داده که بررسی نشده است. تغییر یافت شهرها و تأثیر آن بر کتاب و نشر، می‌تواند موضوع چندین و چند پژوهش روشن‌گرانه باشد.

28. Reader's Catalog

۲۹. اپستین، توضیح بیشتر دربارهٔ چنین دیدگاهی را به این منبع ارجاع داده است: Jaron Lanier, You Are Not a Gadget: A Manifesto, (Knopf, 2010), pp. 26-46.



... و با هر که سخن گفتیم در خود گره‌ای گم بود

ویرایش ادبی و تصحیح در زمینه‌های گوناگون فرهنگی، ادبی، اجتماعی، هنری و... دارای پیشینه همکاری با روزنامه‌های اعتماد، اعتماد ملی و حیات نو و انتشارات: طرح نو، ظلم، جهل و برزخیان زمین، آزاد مهر: شایسته سالاری، شباهنگ: روابط موفق و...

سروش ملت پرست (کارشناس ارشد علوم سیاسی)

تلفن تماس تهران: ۰۹۱۲۷۱۱۳۳۸۷-۸۸۲۷۲۵۷۳

بندر انزلی: ۰۱۸۱-۴۲۴۱۱۲۸-۴۲۴۴۱۰۸